



۲۰۱۶/۰۴/۲۱

ملالی موسی نظام

## نامه سرکشاده به محترم هاشم سدید در مورد فاجعه اخیر در کابل

محترم آقای سدید، سلام بر شما،

به ارتباط مضمون عالی تان تحت عنوان « یگانه راه آرامی مردم و نجات کشور، تغییر دولت و اصلاح نظام است » در مورد حادثه جانگداز بم گزاری در شهر کابل و قتل بیش از ۶۵ هموطن مظلوم و صد ها مجروحینی که از کشته حال بد تری داشته اند و بعد از آخرین بیرون رفتن شان از منزل، بازگشت سالمی در قفا نداشته است، باید عرض نمود که جنایات روز افزون طالب و دیگر دهشت افگنان و جنایتکاران حرفه ای به شمول گروه آدم کشان داعش در افغانستان، مانند پیشرفت و ترویج روز افزون تروریسم جهانی، البته که علاج قطعی ای در جامعه ما ندارد ولو که صد تا ازین وعده های سرخرمن به مردم در مورد امحای آن داده شود. ولی با تائید نکاتی از بیانات شما، عرایضی را تقدیم میدارم:

یک - از همان بازگشت دوباره طالبان منحيث گروپ مخرب و دهشت افگن و شیوع روز افزون عملیت انتحاری بر بیگناهان در وطن، در دوره قدرتمندی «حامد کرزی»، بعد از دستگیری عاملین قضایا، خبر رسمی نشر و عکس قاتلین و مجرمینی که بالفعل گرفتار شده بودند، از پشت سر چاپ شده و وعده «بازخواست فوری» داده میشد! اما دیگر از آن جریان چیزی نمی شنیدید که البته این روش باعث جسارت بیشتر درین زمینه و ازدیاد روز افزون حملات می گردید. درحالیکه در ممالک شرقی منجمله ایران، ترکیه و امثال آن حتی المقدور، هر روز اگر چنین اعمالی رخ میدهد برای عبرت تا حد اعدام، مجازات علنی صورت می گیرد.

این سیاست مصلحت گرایی است که ریشه عدالت را در افغانستان خشکیده است و فغان مؤسسات حقوق بشر جهانی را در آورده، طوریکه آنان علت العلل بیشتر این نابسامانی ها را همین سر سر پلوان رفتن دولت افغانستان و روز چلانی در قبال جنایات بشری میدانند. باور بفرمایید! همین امروز «کمیته نظارت بر حقوق بشر» ملل متحد شکایتی را در زمینه منتشر نموده که گویا افغانستان که از سال ۲۰۰۳ شمولیت در لست «محکمه بین المللی جنایات بر علیه بشریت - آی سی سی» را پذیرفته است، تابحال چرا از همکاری در مورد عاملین جنایات اثبات شده از طرف این تشکیل حقوق بشر، سر باز میزند؟

دو - از همان آوانیکه «حامد کرزی» تصمیم گرفت که شخصیت شناخته شده ای چون «برهان الدین ربانی» را بر صدر تشکیل ناقص و نام نهاد، غیر ضروری و همیشه ناکام «کمیته صلح» نصب نماید، شدت عملیات دهشت افگنان که از پاکستان و مرجع آی اس آی که مدت بسیار طولانی خود «ربانی و همراهان» را تربیت و حمایت

نموده بودند، طوریکه جنرال «حمید گل» رئیس آن دستگاه جهنمی، منحیث مشاور جناب رئیس جمهور اسبق، در مقدرات افغانستان فعال بود، بیشتر و بیشتر گردید. درحالیکه یکی از شرایط دست از جنگ کشیدن طالبان جداً دست از کار کشیدن رهبران تنظیم ها بود. پس این کدام سیاستی به نفع ملت بوده می تواند که که دزد را منحیث دزد بگیر بگماریم؟ نتیجه این انتصاب البته که به قتل جناب رئیس کمیته صلح انجامید.

کمیته ناکام صلح یک صفت عالی «!» دارد که پولی را که ممالک خارجی برای تتخواه، خرچ دستر خوان و امتیازات دیگری از قبیل موجودیت محافظین اعضاء اداری و برقراری مجالس ناکام و کانفرانس ها و مسافرت های اعضاء کمیته و مأمورین دولتی، کاملاً بیهوده به هدر می دهند، میشود که برای معارف، صحیه و جذب محتاجان به کار و پروژه های عام المنفعه و البته اعمار مجدد، به مصرف رسانید، که البته دولت افغانستان چنین کاری را نمی کند و عده ای مأمور را درین اداره بی ارزش با معاشات فوق العاده پذیرایی می کند.

سه - بلی درست فرمودید، این همه اسلحه و مواد منفجره که به لاری های بزرگ متواتر از پاکستان وارد افغانستان بی صاحب و بلای جان ملت بیگناه و بی دفاع آن میگردد، مگر نمیشود که هیچ کنترل، مجازات و ممانعتی در پی داشته باشد و عاملین آن در مطبوعات معرفی و باز خواست گردند!؟

هرباری که کشتاری در گوشه ای از مملکت صورت می گیرد، البته که مسئولین و زمامداران اعلامیه های «تقیح عمل و تهدید» صادر میکنند و وعده میدهند که تا اکنون از حوصله مندی «!» کار گرفته بودند چون «صلح - ؟» می خواستند، حال راه دیگری را برای حفاظت و نجات هموطنان پیش می گیرند....و البته تا کشتار آینده روز از نو روزی از نو....آنوقت اعلامیه دیگری منتشر میگردد.

بعد از تخریب و دهشت افگنی اخیر در شهر کابل، از همان وعده های سر خرمن را که «عبدالله عبدالله» یکی از آمرین اجباری و تحمیلی دولت موجوده، البته با ید طولایی که در تحریف اذهان عامه دارد، چنین اعلام نمود: "طالبان به جواب صلح حکومت افغانستان، با خشونت پاسخ دادند". بلی، با این گونه بازی های کودکانه، این گروهی که اقتدار برای شان حکم میراث را دارد، بیجهت گمان میبرند که مردم افغانستان دایم فریب کجروی های آنانرا می خورند. جای دیگری بازهم با وعده های میان خالی ای آشکارا و همیشگی می افزاید: "پس ازین نیروهای دولتی بر دفاع بیشتر تمرکز خواهد کرد". یعنی که حال چنین تمرکزی ضرورت نبوده و وی نمیدانسته است که طالبان «مشتاق برقراری صلح» نمی باشند، بلکه دهشت افگنی اخیر وی را متوجه چنین حقیقتی مینماید! این ها آزموده شده های ناکامی هستند که بر گرده ناتوان ملت افغان دهه هاست که به سنگینی حکمروایی نموده و با بی مسئولیتی و حفظ منافع شخصی و گروهی، روز و شب شان به ماه و سال کشیده است. بلی مردم افغانستان اقلاً باید در مورد اصلاح فساد، خیانت و وابستگی های درد آور به غیر، در هر سه قوه دولت اقدامی بنمایند، وگرنه روز بدتری های ملت افغانستان را حدود و ثغوری در پیش نیست.

درین شکی نیست که به فرموده شما، عمال پاکستان در هر سه قوه دولت پراکنده اند که در تخریب و کشتار مردم بیگناه و دهشت افگنی با جانپان اصلی و گروه های آدم کشان وابستگی و اشتراک منافع دارند، ولی مطمئن باشید که همه آنان اگر نکتایی پوش باشند و چیزی دیگری به تن نمایند، ناشناس و نا مرئی نیستند؛ همه را همه میشناسند، ولی با انواع دسپایس همدیگر را حمایه می نمایند. با عزت باشید.